

باسمه تعالی

بررسی فقهی اقتصادی خلق پول بانکی

نویسنده مهدی دلاوری

چکیده

خلق پول یکی از موثرترین عوامل در شکل گیری نظام اقتصادی هر کشور است. طبق نظریه ضریب فزاینده از نظریات مختلف در خلق پول، بانکها می توانند به صورت دسته جمعی از طریق فرآیند وام دادن و پذیرفتن سپرده سپرده گذاران خلق پول کنند.

این مسئله از مسائل مستحدثه فقهی محسوب می شود و دلیل نقلی برای آن یافت نمی شود و برای تشخیص حکم اولیه باید به سراغ عنوان یا عناوین کلی مرتبط با خلق پول برویم. محتمل ترین قاعده مرتبط با خلق پول اکل مال به باطل است.

با توجه به برداشت فقها از قاعده اکل مال به باطل، خلق پول طبق نظریه ضریب فزاینده مصداق این قاعده نیست و اشکالی متوجه آن نمی باشد. پس با توجه به این که این عملیات از جهت عرفی و شرعی باطل نیست از جهت حکم اولی نمی توان حکم به حرمت آن کرد. برای بررسی حکم ثانوی نیاز به بررسی های تخصصی اقتصادی داریم تا از طریق بررسی تاثیرات منفی محتمل این نوع خلق پول بر نظام اقتصادی حکم ثانوی فقهی این مسئله را بررسی کنیم.

کلیدواژه‌ها: خلق پول، باطل، بانک، حکم اولی، سپرده.

مقدمه:

یکی از مهم ترین وظایف بانک‌ها خلق پول است.

هنگامی که یک سپرده گذار برای سرمایه گذاری به بانک مراجعه می کند، بانک می تواند همین وجوه را در قالب وام به یک وام گیرنده بدهد و پس از بازگشت وجه وام (با کسر ذخیره قانونی) دوباره مقدار کمتری از آن به شخص دیگری وام داده می شود و همچنین وام اعطایی توسط وام گیرنده در بانک دیگری سپرده گذاری می شود در نتیجه نه تنها وجه وام داده شده از سیستم بانکی خارج نمی شود بلکه وام گیرنده موظف است پس از مدت معین به مقداری که وام گرفته به سیستم بانکی بازگرداند. در نتیجه این عملیات، بانک مالک وجوه سپرده گذار می شود که از جنس بدهی است و همچنین مالک وام اعطایی به وام گیرنده می شود که از جنس دارایی است. بدین ترتیب بانک‌ها می توانند با واسطه گری بین سپرده گذار و وام گیرنده به صورت دسته جمعی خلق پول کنند. بانک‌ها در اقتصاد و معیشت مردم یک کشور نقش کلیدی و حیاتی دارند. با شناخت ماهیت بانک و کارکرد آن در می یابیم که مهم ترین کارکرد بانک‌ها خلق پول است. با تعریف ماهیت صحیح خلق پول و هم

چنین مدیریت صحیح آن، می‌توان بخش عظیمی از چالش‌های اقتصادی نظیر تورم، نقدینگی و رکود را مدیریت کرد و به طور مستقیم و غیر مستقیم به تولید و رشد اقتصادی کشور کمک کرد.

جمهوری اسلامی معتقد است که انسان برای رسیدن به سبک زندگی صحیح باید تمام شئون زندگی خود اعم از شئون فردی و اجتماعی را تحت تعالیم اسلام تعریف کند. لذا در سبک حکومت داری خویش مرجعیت همه جانبه دین اسلام را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پذیرفته است. یکی از مهم ترین شئون حکومت داری مسئله اقتصاد است.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم می‌فرمایند: «اقتصادیک نقطه‌ی کلیدی تعیین کننده است... اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ی است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید.» در ادامه ایشان بیان می‌کنند که انقلاب اسلامی راه برون رفت از اقتصاد ضعیف را به ما نشان می‌دهد اما عملکردهای ضعیف، ما را با چالش‌های درونی و بیرونی مواجه کرده است. و البته با اصلاح چالش‌های درونی، چالش‌های بیرونی بی اثر خواهد شد. چالش‌های درونی عبارتند از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی. پس برای اصلاح اقتصاد کشور ابتدا باید مشکلات بنیادین و ساختاری برطرف شده سپس با مدیریت صحیح چالش‌های درونی را به طور کامل اصلاح کنیم.

در چند سال اخیر علاوه بر شدت گرفتن تحریم‌های ظالمانه، با افت قابل توجه مدیریت اقتصادی نیز مواجه بوده ایم. با شناخت شیوه صحیح خلق پول و تعریف آن در چهارچوب اسلامی، می‌توان بخش بسیار مهمی از زیر ساخت‌های اقتصادی کشور را اصلاح کرد که نتیجتاً منجر به بهبود وضعیت اقتصادی کشور می‌شود که در عصر ما از مسائل و مشکلات اصلی جمهوری اسلامی است.

افرادی که پیش از این به این موضوع پرداخته اند یا صرفاً به بیان و بررسی ماهیت خلق پول پرداخته اند و یا این که از جهت فقهی نیز بررسی کرده اند اما دقت لازم در بررسی فقهی به کار نرفته است.

سوالات مهم این مقاله عبارتند از:

آیا خلق پول طبق نظریه ضریب فزاینده جایز است یا خیر؟

خلق پول تحت کدام یک از عناوین فقهی مطرح می‌شود؟

آیا عنوان فقهی اکل مال به باطل بر خلق پول صدق می‌کند؟

ماهیت اکل مال به باطل در نظر فقهای متقدم و متاخر و معاصر چیست؟

□ . بررسی فقهی خلق پول

پیش از بررسی فقهی خلق پول لازم است تا این مفهوم بصورتی واضح و مختصر تبیین شود. در اساس یکی از مبانی در خلق پول که با نام روش ضریب فزاینده شناخته می‌شود، هرگونه ورود سپرده جدید به سیستم بانکی منجر به گسترش چند برابری شمار سپرده‌ها میشود. این «معجزه‌ی» سیستم ذخیره جزئی است. سپرده‌ها با ضریب «یک تقسیم بر ذخیره قانونی» افزایش می‌یابند... و همانطور که سپرده‌ها افزایش پیدا ذخیره قانونی کرده، عرضه و امه‌ا نیز گسترش یافته است. ... الزام ذخیره جزئی، باعث توانایی سیستم بانکی به گسترش سپرده‌ها از طریق چند برابر افزایش در سپرده ابتدایی میگردد. این مساله باید روشن باشد هنگامی که تعداد زیادی بانک وجود دارند، هیچ بانکی بصورت فردی نمیتواند سپرده‌ها را چند برابر کند. بانک‌ها بصورت فردی حتی از نقشی

که در این فرایند چند برابر کردن سپرده‌ها بازی میکنند، ممکن است آگاه نباشند. آنها میبینند که سپرده‌هایشان افزایش یافته و بنابراین قادر به اعطای وامه‌ای بیشتری هستند. بنابراین مبنا کل نظام بانکی در حکم یک مجموعه واحد اقدام به خلق پول می‌کند و از طریق سپرده‌گیری، عرضه پول را افزایش می‌دهد. (مومنی، ۱۳۹۹)

پس از این مقدمه کوتاه به بررسی فقهی خلق پول می‌پردازیم. مسلم است که نظام پولی اعتباری که امروزه نظام رایج حکومت‌ها است به در زمان ائمه معصومین علیهم السلام مطرح نبوده است. به همین دلیل در ادله نقلی نمی‌توان رد یا تاییدی نسبت به این نوع نظام پولی پیدا کرد.

پس باید به سراغ عناوین و قواعد کلی علم فقه رفته و از میان آنان عناوینی را که احتمال می‌رود خلق پول به شیوه رایج قابل تطبیق با آن باشد پیدا کنیم. سپس با بررسی دقیق نظرات علمای متاخر و متقدم نسبت به معنای دقیق این عناوین فقهی، به پاسخ این سوال برسیم که آیا خلق پول قابل تطبیق با این عناوین فقهی است یا خیر.

در میان عناوین فقهی محتمل‌ترین عنوان قابل تطبیق با خلق پول، عنوان اکل مال به باطل است لذا ابتدا به بررسی معنای دقیق و دایره شمولیت این عنوان می‌پردازیم.

۱،۱. بررسی قاعده اکل مال به باطل

قاعده اکل مال به باطل اولین بار در قرآن در آیه ۲۹ سوره نساء بیان شد و پس از آن به عنوان یکی از قواعد کلی فقهی مورد استناد ائمه اطهار علیهم السلام و علمای فریقین قرار گرفت. خداوند در قرآن می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل إلیٰ أن تكون تجاره عن تراضٍ منکم...»

معنای حقیقی کلمه اکل در لغت به معنای بلعیدن پس از جویدن است (فیومی، ۱۴۱۴ه.ق، ص ۱۷)
علامه طباطبایی ذیل این آیه، در توضیح کلمه اکل می‌نویسد: «معنای کلمه (اکل) - خوردن - معروف است، و آن این است که خوردنی را به وسیله لقمه گرفتن و جویدن و بلعیدن مثلا داخل جوف کنیم، و چون معنای تسلط و انفاذ در این عمل نهفته است، لذا به این اعتبار کلمه (اکل) را در مواردی که تسلط و انفاذ در کار باشد نیز استعمال می‌شود مثلا ... می‌گویند: "اکل فلان المال" (فلانی مال را خورد) که معنایش این است که در آن تصرف کرد، و بر آن مسلط شد، ...» (طباطبایی، ۱۳۷۴ هـ.ش، ج ۴، ص ۵۹۹) پس می‌توان گفت مراد از کلمه اکل در این آیه هر گونه تصرف و تسلط بر اموال است.

مال به معنای چیزی است که انسان مالک می‌شود (قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱ هـ.ش، ج ۶، ص ۳۲۱) و کلمه باطل در اعمال عبارت است از آن عملی که غرض صحیح و عقلایی در آن نباشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴ هـ.ش، ج ۴، ص ۶۰۰) و تجارت به معنای تصرف در سرمایه به هدف کسب سود است (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ هـ.ق، ص ۱۶۴)

۱,۱,۱. ماهیت قاعده اکل مال به باطل در نظر فقهاء

در میان فقهای قبل از شیخ طوسی و بعد از شیخ تا زمان محقق حلی، قاعده اکل مال به باطل به میزانی که بعد از محقق حلی مورد توجه فقها قرار گرفت مورد توجه نبوده است و به ندرت دیده می‌شود که فقیهی مستقیما به توضیح قاعده پرداخته باشد.

این قاعده پس از محقق حلی به تدریج مورد توجه فقها قرار گرفت به گونه ای که در بسیاری از ابواب فقهی معاملات مورد استفاده واقع شد و پس از شیخ انصاری به یکی از پرکاربردترین قواعد فقه تبدیل شد.

۱،۱،۱،۱. مفاد آیه و قاعده اکل مال به باطل در نظر فقهای متقدم تا قبل از محقق حلی

همان‌طور که گفته شد به ندرت دیده شده که فقهای متقدم در کتب خویش به بررسی این قاعده بپردازند.

شیخ مفید در کتاب المقنعة در توضیح آیه قاعده مذکور می‌نویسد: «خداوند از اکل مال به باطل نهی فرموده است و از میان آن‌ها یک سری از تجارت‌ها را استثناء نموده تا آن را به عنوان حقی برای کسانی که از این تجارت‌ها استفاده می‌کنند قرار داده باشد» (مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ص ۵۹۰)

قطب الدین راوندی نیز به توضیح این آیه پرداخته و در ابتدا به بیانی مشابه بیان شیخ مفید می‌پردازد و سپس در بیان مراد آیه دو قول ذکر می‌کند. قول اول روایت سدی از امام باقر علیه السلام است که در آن گفته شده که منظور از اکل مال به باطل اکل مال با ربا و قمار و ثمن اندک و ظلم است. در قول دیگر گفته شده که منظور این است که اکل مال بدون این که شخص استحقاق آن مال را از طریق پرداخت عوض پیدا کرده باشد، صورت بگیرد. لذا بعد از نزول این آیه مردم در سختی بودند چرا که به سبب این نهی مطلق، نمی‌توانستند از اموال یک دیگر استفاده کنند تا این که خداوند با آیه ای که در سوره نساء نازل شد این حکم را نسخ کرد «بر نابینا و افراد لنگ و بیمار گناهی نیست (که با شما هم غذا شوند)، و بر شما نیز گناهی نیست که از خانه‌های خودتان خانه‌های فرزندان یا همسرانتان که خانه خود شما محسوب می‌شود بدون اجازه خاصی غذا بخورید... بر شما گناهی نیست که بطور دسته‌جمعی یا جداگانه غذا بخورید...» (قرآن. سوره نساء. آیه ۶۱) در نهایت به این نتیجه می‌رسد که قول اول قوی‌تر است چرا که مفاد آیه سوره نور، استفاده از اموال طبق مکارم اخلاق است و از اساس داخل در عنوان اکل مال به باطل نمی‌شود. لذا مفاد این آیه با آیه اکل مال به باطل منافاتی ندارد. و همچنین گفته شده که منظور از اکل مال به باطل، تجاوز و گرفتن مال دیگران از راه غیر معتبر است. سپس در بررسی عبارت «ألا عن تکون تجارة» می‌گوید این عبارت دلالت می‌کند بر این که قول کسانی که کسب و تجارت را حرام کرده

اند باطل است چرا که خداوند اکل مال به باطل را حرام کرده و استفاده از آن را با تجارت حلال کرده است. پس از آن در بررسی مراد از ترازی دو قول نقل می‌کند. قول اول این است که مراد از ترازی امضای بیع با جداشدن از یک دیگر و ترک مجلس است و یا با استفاده از مخیر کردن یکدیگر پس از عقد است و قول دوم این است که مراد از ترازی امضای بیع با عقد است. (قطب راوندی، سعید بن هبه الله، ۱۴۰۵ ه ق، ج ۲، ص ۴۰ و ۴۱)

با توجه بحث‌های مطرح شده متوجه می‌شویم که فهم فقهای اولیه از این آیه به صورت ابتدایی و در حد ظاهر عبارت و کلیات معاملات بوده است.

۱،۱،۱،۲. قاعده اکل مال به باطل در نظر فقهای بعد از محقق حلی تا زمان شیخ انصاری

در میان این دسته از علما نیز کمتر دیده شده است که مستقیماً به شرح مراد تمام آیه پرداخته باشند و بیشتر در ضمن استدلالات فقهی به توضیح بخش خاصی از آیه و دلالت آن پرداخته اند.

فاضل مقداد از معدود علمایی است که به بررسی جامع آیه به صورت یک جا پرداخته است. در ابتدا می‌گوید خطاب در کلمه لاتاکلوا عام است و همه‌ی افراد را شامل می‌شود و هم چنین در توضیح مراد از اموالکم دو وجه ذکر می‌کند. وجه اول این که مراد اموال بعضکم است و مضاف الیه که کلمه بعض است، به دلیل وجود قرائن حذف شده است و وجه دوم این است که مراد از این نوع اضافه صرفاً بیان تملیک نیست بلکه برای بیان مطلق اختصاص یک مال به یک شخص است.

سپس به بیان چند نکته می‌پردازد. نکته اول این است که مراد از «بالباطل» سبب باطل است لذا هر چیزی را که شارع اجازه نداده است شامل می‌شود. مانند غصب و سرقة و خیانت و هر عقد فاسدی و همچنین مواردی

را که از اسباب عقد نیستند نیز داخل می‌شود مانند قمار. و به طور کلی این عبارت از عبارات مبهم است و برای بیان مصادیق دقیق آن نیاز به بیانات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام داریم.

اما این که چرا از کلمه اکل استفاده شده است یا به این خاطر است که اکل از بزرگ‌ترین منافع اموال است یا از باب بیان ملزوم (اکل) و اراده لازم (تصرف) است لذا جمیع تصرفات مالی را در بر می‌گیرد.

نکته دیگر این که مواردی که شارع با استثناء اجازه داده است آن چیزی است که با سبب تجارت تصرف شود و استثناء سبب تجارت از اسباب باطل از نوع استثناء منقطع است. (چون تجارت‌هایی که شارع اجازه داده است قطعا باطل نیست) و مراد از تجارت به ملکیت در آمدن مال بایک عقدی است که در آن معاوضه مالی محض صورت بگیرد. و این که چرا کسب حلال با عنوان تجارت یاد شده به این خاطر است که غالبا کسب مال با تجارت صورت می‌گیرد.

نکته بعدی این است طبق این قاعده شرط اجازه شارع نسبت به تجارت این است که با رضایت دو طرف عقد صورت گرفته باشد. لذا عقد کسی که اجازه نداده یا بالاجبار تن به معامله داده است باطل است مگر این که بعد از آن اجازه دهد که در این صورت شرط رضایت حاصل شده است. و همچنین مراد از رضایت، رضایتی است که شرعا معتبر باشد. به همین دلیل رضایت غیر بالغ و مست و دیوانه و سفیه و مفلس معتبر نیست در نتیجه عقود آنها هم باطل است.

نکته آخر این که همان طور که تجارت بدون رضایت معتبر نیست، رضایت بدون تجارت نیز معتبر نیست و لازمه تجارت عقد است. در نتیجه تصرفی که ناشی از رضایت مالک است باید در ضمن یکی از عقود شرعی

صورت گیرد. (فاضل مقداد، ۱۳۷۳ ه ش، ج ۲، ص ۳۴ و ۳۳)

شهید اول در توضیح اجمالی آیه اکل مال به باطل می‌نویسد: «معنای آیه این است که خوردن و سایر تصرفات اگر با تجارت هم‌مران با رضایت صورت بگیرد جایز است و این که شارع اجازه داده تصرف شود به دلیل حاصل شدن ملکیت آن مال برای متصرف است.» (شهید اول، محمد بن مکی، ۱۴۳۰ه ق، ج ۲، ص ۷۹)

شیخ انصاری نیز در کتاب مکاسب به بررسی این آیه پرداخته است. در بخشی از کتاب آمده است نهی از اکل مال به باطل دلالت بر هر گونه اکل که عرفاً باطل باشد می‌شود و اما مواردی که شارع تخصیص زده است (چه در آیه و چه در ادله دیگر) از مصادیق باطل نیست. برای مثال این که رهگذر از میوه قسمتی از درخت که در مسیر است بخورد عرفاً باطل است اما اجازه شارع نشان برای ما کشف می‌کند که این کار باطل نیست. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ه ق، ج ۵، ص ۲۰)

شیخ انصاری ذیل مبحث عقد فضولی در رد ادعای ثبوت مفهوم حصر و مفهوم وصف در آیه به بررسی تفصیلی تر این آیه پرداخته است.

در رد مفهوم حصر به این نکته اشاره می‌کند که استثناء به کار رفته در آیه از نوع منقطع است نه متصل به همین جهت این استثناء دلالتی بر مفهوم حصر ندارد. و در رد مفهوم وصف آورده است که بر فرضی که حجیت چنین مفهومی را پذیرفتیم، جایی می‌توان از مفهوم وصف استفاده کرد که فایده دیگری برای بیان وصف و قید غیر از تحدید وجود نداشته باشد. در جالی که این جا قید «تجاره عن تراض» برای بیان موارد غالبی ذکر شده است. و همچنین احتمال می‌رود که «عن تراض» قید برای تجارت نباشد بلکه خبر دوم برای فعل «تکون» باشد. در نتیجه می‌توان گفت امثال بیع فضولی از دایره کسب‌های مباح خارج نمی‌شود. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ه ق، ج ۳، ص ۳۶۴)

۱,۱,۲. موارد استفاده فقها از قاعده اکل مال به باطل در مسائل فقهی

تا اینجا مواردی را ذکر کردیم که فقها در آن به بررسی مستقیم آیه پرداخته بودند. اما در غالب موارد فقها ذیل استدلالات مختلف فقهی در ابواب مختلف دایره شمولیت این قاعده و مصادیق آن را روشن تر کرده اند. این گونه موارد به حدی زیاد است که حصر همه‌ی موارد آن در این مجال نمی‌گنجد. و ما به ذکر موارد مهم و پرکاربرد و مرتبط با موضوع مقاله، با ذکر یک یا دو مثال اکتفاء می‌کنیم.

۱,۱,۲,۱. تصرف در مال دیگری بدون اجازه و غضب

از قواعد کلی پر استفاده در فقه حرمت استفاده از مال غیر بدون اجازه و غضب است. ابن فحد حلی می‌نویسد: «قاعده کلی و اولی این است که تصرف در مال دیگری حرام است مگر این که صریحا اجازه دهد به خاطر آیه اکل مال به باطل... البته مواردی خاص توسط روایات از این قاعده خارج می‌شود» (ابن فحد حلی، احمد بن محمد، ۱۴۰۷ه ق، ج ۴، ص ۲۳۶)

همچنین شهید ثانی در بیان معنای غضب و علت حرمت آن می‌نویسد: «اصل غضب این است که مال شخصی را از روی ظلم بگیرد و گفته شده که این گرفتن و تصرف باید علنی باشد نه پنهانی. و علت حرمت غضب آیه «لا تاكلوا...» است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ه ق، ج ۱۲، ص ۱۴۵)

۱,۱,۲,۲. جمع بین عوض و معوض

یکی از قواعد مهم فقهی این است که هیچ‌یک از دو طرف عقد حق ندارد بین عوض و معوض جمع کند یعنی نمی‌تواند هم مالک عوض و هم مالک معوض شود. شهید ثانی در اثبات این قاعده می‌نویسد: «برای هیچ

کس جایز نیست که بین عوض و معوض جمع کند به خاطر این که اکل مال به باطل خواهد بود و حالت حق

آن این است که عوض بدهد و معوض بگیرد.» (شهید اول، ۱۴۳۰ه ق، ج ۱۵، ص ۴۵۵)

همچنین ابن ابی جمهور می نویسد: «جمع کردن بین عوض و معوض جایز نیست به خاطر این که اکل

مال به باطل است. به همین دلیل نمی توان بین ثمن و مثن، منفعت اجیر و اجرت جمع کرد» (ابن ابی جمهور،

۱۴۱۰ه ق، ص ۱۱۱)

۱،۲،۳. گرفتن کالا بدون این که در مقابل آن عوضی باشد.

در عقودی که عرفا نیاز است چیز داده شود و چیزی گرفته شود (مانند بیع)، اگر یک طرف چیزی بگیرد

بدون این که چیزی در مقابل آن بدهد مصداق قاعده اکل مال به باطل خواهد بود.

برای بررسی بهتر این مورد به سراغ یک فرع فقهی می رویم. اگر فروشنده با خریدار شرط کند که اگر کالا

معیوب بود هیچ ضمانتی را قبول نمی کند و خریدار نیز قبول کند و چیزی از او بخرد که با امتحان کردن خراب

می شود و قابل فروش نخواهد بود (مانند تخم مرغ)، طبق نظر برخی از فقها این شرط صحیح است و به تبع آن

معامله نیز صحیح خواهد بود. شهید ثانی به این نظر اشکالی وارد می کند و آن این است که در بعضی از موارد

ممکن است که کل کالا معیوب باشد و بعد از امتحان کردن هم قیمتی نخواهد داشت. در این موارد فروشنده در

مقابل چیزی که دریافت کرده عوضی نداده است و این با مقتضای عقد بیع در تنافی است. به همین دلیل اکل مال

به باطل خواهد بود و به همین دلیل باید بگوییم که شرط برائت ذمه در مقابل عیب کالا باطل است. (شهید

ثانی، ۱۴۱۳ه ق، ج ۳، ص ۱۸۰)

۲. تطبیق قاعده اکل مال به باطل و خلق پول

بعد از بررسی ماهیت و کاربرد قاعده اکل مال به باطل باید بررسی کنیم که آیا خلق پول به شیوه ای که بیان شد قابل تطبیق با قاعده اکل مال به باطل خواهد بود یا خیر. برای این امر نیاز است که در مرحله اول ببینیم که آیا طبق معنای کلی که فقها از آیه اکل مال به باطل ارائه کردند، خلق پول داخل در مصادیق اراده شده در آیه اکل مال به باطل خواهد بود یا خیر. و در مرحله بعد بررسی می کنیم که آیا خلق پول با موارد جزئی تری که در فصل قبل بیان شد قابل تطبیق است یا خیر.

۲،۱. بررسی مطابقت خلق پول با مفاد کلی آیه اکل مال به باطل

با دقت در جزئیات مراحل خلق پول طبق دیدگاه ضریب فزاینده درمی یابیم که اولاً این فرآیند ذیل دو معامله وام دادن و سپرده گذاری کردن و ذیل تصرف در اموال سپرده گذاری شده رخ می دهد. و دو مورد اول از معاملات معتبر عرفی و شرعی می باشد و نه تنها سبب آن از اسباب باطل و غیر معتبر نیست بلکه از مصادیق معاملات صحیح است. در نتیجه داخل در مصادیق قید تجارت که در آیه استثناء شده است می شود. همچنین بانک می تواند در وجوه سپرده گذاری شده و وجوهی که توسط وام گیرنده بازگردانده می شود، تصرف کند و آن را به شخص دیگری بدهد. چرا که این وجوه ملک بانک محسوب می شود و در صورتی که سپرده گذار قصد گرفتن سپرده خود را داشته باشد بانک موظف است معادل آن را بازگرداند.

نکته دیگر این که این معاملات با رضایت دو طرف شکل می گیرد و از این جا می توان فهمید که داخل در قید «عن تراض» نیز می شود.

۲،۲. بررسی مطابقت خلق پول با عناوین جزئی قاعده اکل مال به باطل

حال به سراغ موارد جزئی تر که فقها مطرح کرده اند می‌رویم. در ابتدا باید گفت واضح است که این نوع خلق پول مصداق «تصرف در مال غیر بدون اجازه» نخواهد بود چون همان طور که گفتیم تمام معاملاتی که در این فرآیند رخ می‌دهد با رضایت دو طرف اتفاق می‌افتد و اساساً بعد از معامله بانک مالک وجوهی است که نزد خود دارد.

همچنین بانک‌ها وجه بدون عوض دریافت نمی‌کنند تا مصداق اخذ مال بدون عوض شوند. اما ممکن است در ابتدا به ذهن برسد که بانک‌ها جمع بین عوض و معوض می‌کنند. چون وقتی به مجموعه این فرآیند یک جا نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که در نهایت هم وام‌ها در سیستم بانکی باقی می‌ماند و هم سپرده‌ها و وجوهی که بازگردانده می‌شود و در واقع بانک‌ها جمع بین عوض و معوض می‌کنند و این از مصادیق اکل مال به باطل است.

در جواب تحلیل باید گفت که اگر همه‌ی این عملیات توسط یک بانک صورت می‌گرفت گفته می‌شد که بانک جمع بین عوض و معوض کرده است در حالی که در فرض نظریه ضریب فزاینده یک بانک نمی‌تواند به تنهایی خلق پول کند بلکه این فرآیند توسط همه‌ی بانک‌ها رخ می‌دهد و این بانک‌ها مالکین متفاوتی دارند و در نهایت یک شخص جمع بین عوض و معوض نمی‌کند بلکه در سیستم کلی بانک این وجوه جمع می‌شوند و پول تولید می‌شود.

نکته دیگر این که اگر همه‌ی بانک‌ها متعلق به یک شخصیت حقیقی یا حقوقی می‌بود باز هم منجر به جمع بین عوض و معوض نمی‌شد. چرا که جمع بین عوض و معوض در جایی باطل است که در یک معامله اتفاق بیفتد. اما اگر در چند معامله جمع شود اشکال ندارد. برای مثال اگر شخصی کالایی را بفروشد به قیمت خاصی بفروشد و فروشنده قیمت گرفته شده را به مشتری قرض دهد گفته نمی‌شود که مشتری جمع بین عوض

و معوض کرده است. در خلق پول نیز بانک‌ها در یک معامله سپرده‌ها و وام‌ها را جمع نمی‌کنند بلکه در یک معامله با سپرده‌گذار وجوهی دریافت می‌شود و در معامله ای دیگر وام داده می‌شود و وجوهی که توسط وام‌گیرنده بازگردانده می‌شود ضمن معامله اعطای وام به بانک بر می‌گردد. در نتیجه جمع بین عوض و معوض رخ نداده است.

در نهایت باید گفت که دلیلی بر این که خلق پول از مصادیق اکل مال به باطل باشد نداریم و وجه دیگری بر بطلان آن متصور نیست. مگر آن که در دراز مدت موجب اختلال در نظام اقتصادی شود که در این صورت از باب حکم ثانوی و مصلحت دارای اشکال خواهد بود و بررسی این امر نیاز به بررسی تخصصی اقتصادی خلق پول و تاثیر آن بر نظام پولی جامعه دارد.

نتیجه:

با توجه به برداشت فقها از قاعده اکل مال به باطل، خلق پول طبق نظریه ضریب فزاینده مصداق این قاعده نیست و اشکالی متوجه آن نمی‌باشد. پس با توجه به این که این عملیات از جهت عرفی و شرعی باطل نیست از جهت حکم اولی نمی‌توان حکم به حرمت آن کرد.

اگر در بررسی‌های تخصصی تر به این نتیجه برسیم که این نوع خلق پول در دراز مدت موجب اختلال در نظام اقتصادی می‌شود و مصالح جامعه به خطر می‌افتد ممکن است از باب حکم ثانوی دارای اشکال باشد و این مسئله نیاز به پژوهش‌های تخصصی در مسائل اقتصادی و حکومتی دارد.

منابع:

١. قرآن كريم
٢. ابن ابى جمهور، محمد بن زين الدين (١٤١٠ هـ ق)، الأقطاب الفقيهية على مذهب الامامية (اول)، قم: كتابخانه عمومى آيت الله مرعشى نجفى (ره)
٣. ابن فهد حلى، احمد بن محمد (١٤٠٧ هـ ق)، المهذب البارع فى شرح مختصر النافع (چاپ اول)، قم: جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية بقم، مؤسسه النشر الإسلامى
٤. انصارى، مرتضى ابن محمد امين (١٤١٥ هـ ق)، كتاب المكاسب (چاپ اول)، قم: المؤتمر العالمى بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأعظم الأنصارى، الأمانة العامة
٥. راغب اصفهانى، حسين بن محمد (١٤١٢ هـ ق)، مفردات الفاظ قرآن (چاپ اول)، بيروت: دارالقلم
٦. شهيد اول، محمد بن مكى (١٤٣٠ هـ ق)، موسوعه الشهيد الاول (چاپ اول)، قم: مكتب الاعلام الاسلامى فى الحوزة العلمية، قم المقدسه معاونه الابحاث، مركز العلوم و الثقافه الاسلاميه
٧. شهيد ثانى، زين الدين بن على (١٤١٣ هـ ق) مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام (چاپ اول)، قم : مؤسسه المعارف الإسلاميه
٨. طباطبايى، محمد حسين (١٣٧٤ هـ ش)، ترجمه تفسير الميزان، ترجمه موسوى، محمد باقر (چاپ پنجم)، قم: جامعه مدرسین حوزة علميه قم، دفتر انتشارات اسلامى
٩. فاضل مقداد، محمد بن عبدالله (١٣٧٣ هـ ش)، كنز العرفان فى فقه القرآن (چاپ پنجم)، تهران: نشر مرتضوى
١٠. فيومى، احمد بن محمد (١٤١٤ هـ ق)، مصباح المنير (چاپ دوم)، قم: مؤسسه دارالهجره
١١. قرشى، على اكبر (١٣٧١ هـ ش)، قاموس قرآن (چاپ ششم)، تهران: دار الكتب الإسلاميه

۱۲. قطب راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۵ ه ق)، فقه القرآن (چاپ دوم)، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی

نجفی (ره)

۱۳. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰ ه ق)، المقنعة (چاپ دوم)، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم،

مؤسسة النشر الإسلامی.

مقاله

۱. مومنی، فرشاد و همکاران، نقد نظریه ضریب فزاینده پایه پولی و برخی دلالت های اقتصاد کلان

نظریه خلق اعتبار بانکی، ۸۸ فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹.

خلاصه مقاله:

۱. موضوع شناسی:

هنگامی که یک سپرده گذار برای سرمایه گذاری به بانک مراجعه می کند، بانک می تواند همین وجوه را در قالب وام به یک وام گیرنده بدهد و پس از بازگشت وجه وام (با کسر ذخیره قانونی) دوباره مقدار کمتری از آن به شخص دیگری وام داده می شود و همچنین وام اعطایی توسط وام گیرنده در بانک دیگری سپرده گذاری می شود در نتیجه نه تنها وجه وام داده شده از سیستم بانکی خارج نمی شود بلکه وام گیرنده موظف است پس از مدت معین به مقداری که وام گرفته به سیستم بانکی بازگرداند. در نتیجه این عملیات، بانک مالک وجوه سپرده گذار می شود که از جنس بدهی است و همچنین مالک وام اعطایی به وام گیرنده می شود که از جنس دارایی است. بدین ترتیب بانکها می توانند با واسطه گری بین سپرده گذار و وام گیرنده به صورت دسته جمعی خلق پول کنند.

۲. عنوان فقهی خلق پول:

در میان عناوین فقهی محتمل ترین عنوان قابل تطبیق با خلق پول، عنوان اکل مال به باطل است لذا ابتدا

به بررسی معنای دقیق و دایره شمولیت این عنوان می پردازیم.

قاعده اکل مال به باطل اولین بار در قرآن در آیه ۲۹ سوره‌ی نساء بیان شد و پس از آن به عنوان یکی از قواعد کلی فقهی مورد استناد ائمه اطهار علیهم السلام و علمای فریقین قرار گرفت.

مراد از کلمه اکل در این آیه هر گونه تصرف و تسلط بر اموال است. و کلمه باطل در اعمال عبارت است از آن عملی که غرض صحیح و عقلایی در آن نباشد و تجارت به معنای تصرف در سرمایه به هدف کسب سود است

در میان فقهای قبل از شیخ طوسی و بعد از شیخ تا زمان محقق حلی، قاعده اکل مال به باطل به میزانی که بعد از محقق حلی مورد توجه فقها قرار گرفت مورد توجه نبوده است و به ندرت دیده می‌شود که فقیهی مستقیماً به توضیح قاعده پرداخته باشد.

این قاعده پس از محقق حلی به تدریج مورد توجه فقها قرار گرفت به گونه ای که در بسیاری از ابواب فقهی معاملات مورد استفاده واقع شد و پس از شیخ انصاری به یکی از پرکاربردترین قواعد فقه تبدیل شد.

شیخ مفید در کتاب المقنعۀ در توضیح آیه قاعده مذکور می‌نویسد: «خداوند از اکل مال به باطل نهی فرموده است و از میان آن‌ها یک سری از تجارت‌ها را استثناء نموده تا آن را به عنوان حقی برای کسانی که از این تجارت‌ها استفاده می‌کنند قرار داده باشد» (مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۰ هـ.ق، ص ۵۹۰)

با توجه بحث‌های مطرح شده متوجه می‌شویم که فهم فقهای اولیه از این آیه به صورت ابتدایی و در حد ظاهر عبارت و کلیات معاملات بوده است.

در میان فقهای بعد از محقق حلی تا زمان شیخ انصاری نیز کمتر دیده شده است که مستقیماً به شرح مراد تمام آیه پرداخته باشند و بیشتر در ضمن استدلالات فقهی به توضیح بخش خاصی از آیه و دلالت آن پرداخته اند.

شیخ انصاری نیز در کتاب مکاسب به بررسی این آیه پرداخته است. در بخشی از کتاب آمده است نهی از اکل مال به باطل دلالت بر هر گونه اکل که عرفاً باطل باشد می‌شود و اما مواردی که شارع تخصیص زده است (چه در آیه و چه در ادله دیگر) از مصادیق باطل نیست. برای مثال این که رهگذر از میوه قسمتی از درخت که در مسیر است بخورد عرفاً باطل است اما اجازه شارع نشان برای ما کشف می‌کند که این کار باطل نیست. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ه ق، ج ۵، ص ۲۰)

شیخ انصاری ذیل مبحث عقد فضولی در رد ادعای ثبوت مفهوم حصر و مفهوم وصف در آیه به بررسی تفصیلی تر این آیه پرداخته است.

تا اینجا مواردی را ذکر کردیم که فقها در آن به بررسی مستقیم آیه پرداخته بودند. اما در غالب موارد فقها ذیل استدلالات مختلف فقهی در ابواب مختلف دایره شمولیت این قاعده و مصادیق آن را روشن تر کرده اند. این گونه موارد به حدی زیاد است که حصر همه‌ی موارد آن در این مجال نمی‌گنجد. و ما تنها به ذکر عنوان موارد مهم و پرکاربرد و مرتبط با موضوع مقاله، اکتفاء می‌کنیم.

۱- تصرف در مال دیگری بدون اجازه و غضب

۲- جمع بین عوض و معوض

۳- گرفتن کالا بدون این که در مقابل آن عوضی باشد.

۳. تطبیق قاعده اکل مال به باطل و خلق پول:

۳.۱. بررسی مطابقت خلق پول با مفاد کلی آیه اکل مال به باطل:

با دقت در جزئیات مراحل خلق پول طبق دیدگاه ضریب فزاینده درمی یابیم که اولاً این فرآیند ذیل دو معامله وام دادن و سپرده گذاری کردن و ذیل تصرف در اموال سپرده گذاری شده رخ می دهد. و دو مورد اول از معاملات معتبر عرفی و شرعی می باشد و نه تنها سبب آن از اسباب باطل و غیر معتبر نیست بلکه از مصادیق معاملات صحیح است. در نتیجه داخل در مصادیق قید تجارت که در آیه استثناء شده است می شود. همچنین بانک می تواند در وجوه سپرده گذاری شده و وجوهی که توسط وام گیرنده بازگردانده می شود، تصرف کند و آن را به شخص دیگری بدهد. چرا که این وجوه ملک بانک محسوب می شود و در صورتی که سپرده گذار قصد گرفتن سپرده خود را داشته باشد بانک موظف است معادل آن را بازگرداند.

نکته دیگر این که این معاملات با رضایت دو طرف شکل می گیرد و از این جا می توان فهمید که داخل در قید «عن تراض» نیز می شود.

۳،۲. بررسی مطابقت خلق پول با عناوین جزئی قاعده اکل مال به باطل

حال به سراغ موارد جزئی تر که فقها مطرح کرده اند می رویم. در ابتدا باید گفت واضح است که این نوع خلق پول مصداق «تصرف در مال غیر بدون اجازه» نخواهد بود چون همان طور که گفتیم تمام معاملاتی که در این فرآیند رخ می دهد با رضایت دو طرف اتفاق می افتد و اساساً بعد از معامله بانک مالک وجوهی است که نزد خود دارد.

همچنین بانکها وجه بدون عوض دریافت نمی کنند تا مصداق اخذ مال بدون عوض شوند. اما ممکن است در ابتدا به ذهن برسد که بانکها جمع بین عوض و معوض می کنند. چون وقتی به مجموعه این فرآیند یک جا نگاه می کنیم متوجه می شویم که در نهایت هم وامها در سیستم بانکی باقی می ماند و هم سپردهها و وجوهی

که بازگردانده می‌شود و در واقع بانک‌ها جمع بین عوض و معوض می‌کنند و این از مصادیق اکل مال به باطل است.

در جواب تحلیل باید گفت که اگر همه‌ی این عملیات توسط یک بانک صورت می‌گرفت گفته می‌شد که بانک جمع بین عوض و معوض کرده است در حالی که در فرض نظریه ضریب فراینده یک بانک نمی‌تواند به تنهایی خلق پول کند بلکه این فرآیند توسط همه‌ی بانک‌ها رخ می‌دهد و این بانک‌ها مالکین متفاوتی دارند و در نهایت یک شخص جمع بین عوض و معوض نمی‌کند بلکه در سیستم کلی بانک این وجوه جمع می‌شوند و پول تولید می‌شود.

نکته دیگر این که اگر همه‌ی بانک‌ها متعلق به یک شخصیت حقیقی یا حقوقی می‌بود باز هم منجر به جمع بین عوض و معوض نمی‌شد. چرا که جمع بین عوض و معوض در جایی باطل است که در یک معامله اتفاق بیفتد. اما اگر در چند معامله جمع شود اشکال ندارد. برای مثال اگر شخصی کالایی را بفروشد به قیمت خاصی بفروشد و فروشنده قیمت گرفته شده را به مشتری قرض دهد گفته نمی‌شود که مشتری جمع بین عوض و معوض کرده است. در خلق پول نیز بانک‌ها در یک معامله سپرده‌ها و وام‌ها را جمع نمی‌کنند بلکه در یک معامله با سپرده‌گذار وجوهی دریافت می‌شود و در معامله ای دیگر وام داده می‌شود و وجوهی که توسط وام گیرنده بازگردانده می‌شود ضمن معامله اعطای وام به بانک بر می‌گردد. در نتیجه جمع بین عوض و معوض رخ نداده است.

در نهایت باید گفت که دلیلی بر این که خلق پول از مصادیق اکل مال به باطل باشد نداریم و وجه دیگری بر بطلان آن متصور نیست. مگر آن که در دراز مدت موجب اختلال در نظام اقتصادی شود که در این صورت از

باب حکم ثانوی و مصلحت دارای اشکال خواهد بود و بررسی این امر نیاز به بررسی تخصصی اقتصادی خلق پول و تاثیر آن بر نظام پولی جامعه دارد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم

- ۲- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ هـ ق)، مصباح المنیر (چاپ دوم)، قم: مؤسسه دارالهیجرة
- ۳- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴ هـ ش)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه موسوی، محمد باقر (چاپ پنجم)، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
- ۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ هـ ق)، مفردات الفاظ قرآن (چاپ اول)، بیروت: دارالقلم
- ۵- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ هـ ش)، قاموس قرآن (چاپ ششم)، تهران: دار الکتب الإسلامية
- ۶- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۰ هـ ق)، المقنعة (چاپ دوم)، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي
- ۷- قطب راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۵ هـ ق)، فقه القرآن (چاپ دوم)، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی (ره)
- ۸- فاضل مقداد، محمد بن عبدالله (۱۳۷۳ هـ ش)، کنز العرفان فی فقه القرآن (چاپ پنجم)، تهران: نشر مرتضوی

- ٩- شهيد اول، محمد بن مكي (١٤٣٠ هـ ق)، موسوعة الشهيد الاول (چاپ اول)، قم: مكتب الاعلام الاسلامي في الحوزة العلمية، قم المقدسة
معاونية الابحاث، مركز العلوم و الثقافة الاسلامية
- ١٠- انصاري، مرتضى ابن محمد امين (١٤١٥ هـ ق)، كتاب المكاسب (چاپ اول)، قم: المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأعظم الأنصاري، الأمانة العامة
- ١١- ابن فهد حلي، احمد بن محمد (١٤٠٧ هـ ق)، المهذب البارع في شرح مختصر النافع (چاپ اول)، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي
- ١٢- شهيد ثانی، زين الدين بن علي (١٤١٣ هـ ق) مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام (چاپ اول)، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية
- ١٣- ابن ابی جمهور، محمد بن زين الدين (١٤١٠ هـ ق)، الأقطاب الفقهية على مذهب الامامية (اول)، قم: كتابخانه عمومي آيت الله مرعشي نجفی (ره)